



فرهنگ ورزشی



فرخ غفاری : تاریخ سینمای ایران



فرهنگ ورزشی



۴۱۲



xalvat.com



فرهنگ ورزشی





قسمت اول :

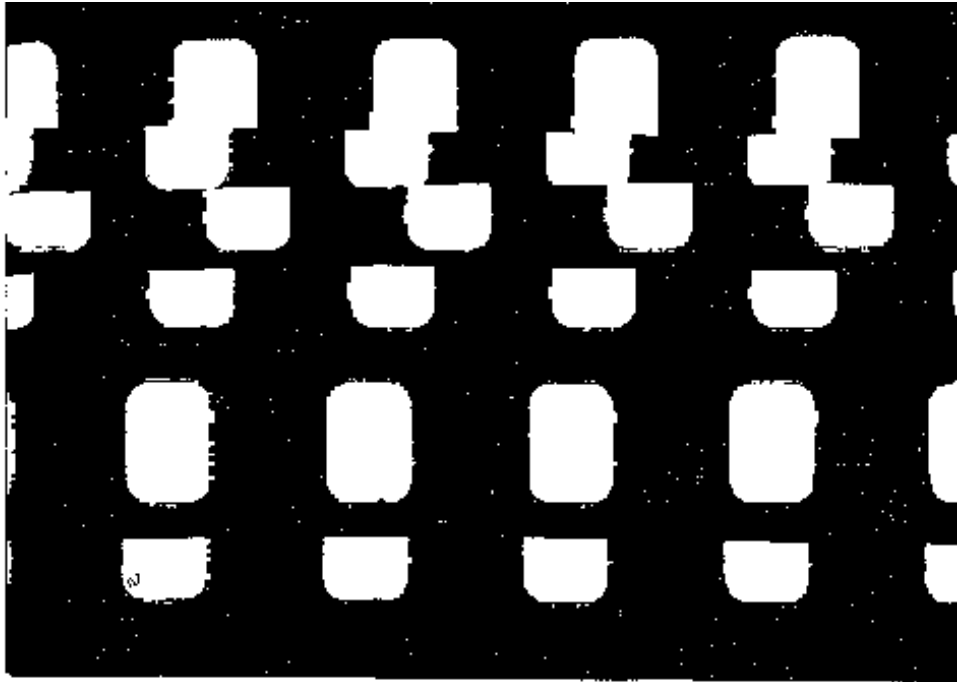
شماره ۱۸

۴	سینما نخستین هنر جهانی / آندره مالرو
۷	تاریخ سینمای ایران / فرخ غفاری
۴۱	تئاتر سایه‌ها در شرق / ماکسیم رودنون / ترجمه حسین مهری
۴۹	آثار سینمایی عبدالحسین سینتا دو میزگرد
۵۳	میزگرد سینمای ایران (۱)
۷۵	میزگرد سینمای ایران (۲)
۹۱	گفتگو با یکی از اعضای شورای عالی فیلم
۱۰۱	سینمای آمانور ایران / لاله تقیان
۱۱۱	سینمای کوه‌کان / رفته زازو
۱۱۸	زندگی و فیلم‌هایم / ژان رنوار / ترجمه جلال ستاری
۱۴۱	یادداشت‌هایی درباره سینما توگراف / روبر برسون / ترجمه جلال ستاری



قسمت دوم :

۱۴۷	xalvat.com	واژه شناسی فرهنگ / ناصر تکمیل همایون
۱۴۷		فازایی ، معلم ثانی فلسفه اسلامی / بهرام جمال پور
۱۵۰		تراژدی رستم و سهراب / صالح حسینی - ذبیح الله بحرانی
۱۵۹		هنر از نظر گاه هگل / کریم مجتهدی
۱۶۶		منتقد : خواننده پیشرو / برنارینگو / ابوالحسن نجفی
نقد کتاب :		
۱۶۹		تصویری در حاله قدس (فرار از مدرسه) حسین داوری
۱۷۴		نقدی بر نقد / محمد خوانساری
معرفی کتاب :		
۱۸۰		یادگار عمر ، خاطراتی از سرگذشت دکتر عیسی صدیق / احمد محمدی
۱۸۱		فهرست مقالاتی که تاکنون در زمینه موضوع اصلی هر شماره منتشر شده است



= تاریخچه سینمای ایران از کجا
آغاز می‌شود؟

تاریخ سینمای ایران

از زبان فرخ غفاری

فرخ غفاری - باید باین تقسیم‌بندی شروع کنیم که کمک یا سهم ایران در به وجود آوردن وسائل سرگرمی و نمایشی چه بوده ؟ و سائلی که بعداً وسائل سرگرمی و نمایشی را به حساب به اصطلاح ماقبل تاریخ سینما گذاشته‌اند . این نیز به دو قسمت تقسیم می‌شود . یکی قریحه و استعداد مجسمه‌سازها ، نقاش‌ها ، نویسندگان ایرانی برای ایجاد آثار هنری دراماتیک ؛ مثلاً چگونه در نقش‌های ساسانی ، کسی که این نقش‌ها را می‌ساخت ، ترتیب فرار گرفتن آدم‌ها را در نظر می‌گرفته و به آنها حالت نمایشی می‌داده و این‌ها در مینیاتور هم خیلی خوب می‌توان دید .

بعد از این دو چیزی که ما داریم ، نویسندگان ما هستند ، مثل فردوسی که عوامل نمایشی بسیاری تراشعار خود دارد ، و همینطور عوامل نمایشی در آثار نظامی .

وسایل تفریحی که در این مملکت به وجود آمده اهمیت دارند ، یا مثلاً فرض کنید در نمایش «تازی» که در واقع تنها نتایج جدی است که ما داریم ، چند نوع کارهای مختلف انجام شده ، و بعد از آن آثار «خیمه شب بازی» و مخصوصاً نمایشی که «فانوس خیال» نامیده می‌شده است و خیام نیز از آن نام می‌برد .

«خیمه شب بازی» و «فانوس خیال» را بعدها تاریخ‌نویسان جزو تاریخ ماقبل سینما ذکر کرده‌اند .

= چگونه سینما به ایران وارد شد
و تازمانی که فیلمسازی در ایران آغاز
شد ، وضع سینما چگونه بود ؟

فرخ غفاری - بعد از آنچه گفته شد می‌رسیم به قسمت اصلی ، یعنی آمدن دستگاه سینماتوگراف به ایران . برخلاف مقداری از آنچه اخیراً درباره آمدن سینما به ایران نوشته شده ، با کمال جرأت می‌توان گفت ، اولین بار که سینما به ایران وارد شد ، يك دستگاه سینماتوگراف بود که مظفرالدین شاه از اروپا با خود به ایران آورد ، به این ترتیب که مظفرالدین شاه در سال ۱۹۰۰ یعنی درست ۲۵ سال پیش سفری به فرانسه کرد و در آب معدنی «کن ترکس ویل» ، در میان وسایل تفریح مختلفی که برای او می‌آوردند يك دستگاه سینماتوگراف آن زمان را هم آوردند ، او خودش می‌آید ، تعجب می‌کند ، و بطوری که در سفرنامه‌اش می‌نویسد :

«دستگاهی است که به روی دیوار می‌اندازند و مردم در آن حرکت می‌کنند.» و به میرزا ابراهیم خان عکاسباشی دستور می‌دهد که این دستگاه را خریداری کند . اولین فیلمبرداری نیز توسط يك ایرانی انجام می‌شود. در همان سال یعنی ۲۵ سال پیش در کنار دریای بلژیک ، در شهر «استاند» کارناوالی برپا بوده و طبق نوشته مظفرالدین شاه اولین فیلمبرداری را «میرزا ابراهیم خان عکاسباشی» از این کارناوال ، جشن گل‌ها و خانم‌هایی که سوار کالسکه هستند و گل پرتاب می‌کنند ، انجام داده است.

بعد این دستگاه سینماتوگراف به ایران می‌آید و در این مورد دو سند خطی از دست مظفرالدین شاه وجود دارد . در یکی از آنها می‌نویسد :
«بیا و از جمعیت دسته عزاداران محرم ، فیلمبرداری کن . این سند بدون تاریخ معینی است و نمی‌دانیم که کی و در چه تاریخی نوشته شده است .

در سند دیگر می‌نویسد : «بیا و از شیرهای ما در باغ وحش ، (که در فرح آباد آن زمان بوده) فیلمبرداری کن.» این اسناد و مدارکی است که امروز درست داریم تازمانی که فیلم «دختر لر» ساخته شد . (فیلمی که «عبدالحمید سینتا» در هندوستان برداشت و به زبان فارسی بود و در آن مقداری ایرانی شرکت کرده بودند) بدبختانه از فیلم‌های داستانی که قبل از آن در ایران به وسیله ایرانی‌ها تهیه شد ، ما امروز حتی صد متر فیلم هم برایمان باقی نمانده است .

فرخ غفاری - در حال حاضر ما درباره آثاری که در این زمان ساخته شده ، جز با نوشته هایی که در روزنامه ها یا گوشه و کنار یا قیمانده ، یا با خاطره هایی که سازندگان این فیلم ها دارند ، از طریق دیگری نمی توانیم قضاوت کنیم . امروز گفتن اینکه کیفیت این فیلم ها چگونه بوده ، بستگی به قضاوت کسانی دارد که این فیلم ها را دیده اند . مثلاً نمی شود گفت که این فیلم ها چه محتوایی داشته اند ، یا از فرم و محتوای آنها تحلیل کنیم . اینها فقط يك مقدار اطلاعاتی است که جسته و گریخته از اینطرف و آنطرف جمع آوری کرده ایم .

= اگر اثری در دست نیست پس چگونه می توان به موجودیت این فیلم ها پی برد ؟

فرخ غفاری - در همان دوره ، یعنی در اوائل سال ۱۳۲۹ شمسی ، مظفرالدین شاه و میرزا ابراهیم خان عکاسباشی دستگاه سینماتوگراف را به ایران آوردند . مدتی بعد نیز اولین بهره برداری به اصطلاح برای مردم شروع شد . قبل از آن یا خود درباریان و یا نجبا و بزرگان بودند که با دستگاههای پرورکنور و آپارات های آن زمان فیلم می دیدند ، یعنی کسانی که به مناسبت هایی مثل عروسی ، ختنه سوران و جشن های شاد دیگری ، سینماتوگراف دربار را به خانه شان می آوردند و در این ضیافت ها فیلم های کمیک فرانسوی را که از راه روسیه به ایران وارد می شد ، نمایش می دادند . اما این نمایش ها خصوصی بود و جنبه عمومی نداشت ، یعنی برخلاف تمام نقاط دنیا که سینما از آغاز يك وسیله تفریح عامیانه می شود و در زیر چادر و در بازارهای سکاره به نمایش درمی آید ، در ایران يك هنر اشرافی شده بود .

= آزدستگاه سینماتوگراف در ایران چگونه استفاده شد ؟

فرخ غفاری - مشابه این دستگاه سینماتوگراف ، امروز در موزه های سینمایی اروپا و آمریکا وجود دارد ولی در ایران نه ، چون در ایران این دستگاه ها در یکی دو نهارت هنگام جنبش مشروطه از بین رفت .

= این دستگاه سینماتوگراف هنوز در ایران وجود دارد ؟

= اولین سالن سینما در ایران چگونه درست شد؟

فرخ غفاری - در حدود ۷۰ سال قبل ، اولین سینما ، البته اگر بشود نام سالن را بر آن گذاشت ، در خیابان چراغ گاز آن زمان (امیرکبیر فعلی) باز شد . این سالن را مرد آزادیخواه مشروطه ، مرحوم «صحافی پاشی» درست کرد . صحافی پاشی تحصیل کرده خارج بود و سالی داشت که آنرا برای نمایش فیلم اختصاص داد . در این سالن فیلم های کمندی کوتاه قدیمی را ، که در نهایت از ۶۰ دقیقه تجاوز نمی کرد ، پشت هم نشان می دادند و قبل از در ورودی سالن ، دالانی وجود داشت که در دو طرف آن دستگاه های «کینه توسکوپ» ادیسون گذاشته بودند . کینه توسکوپ ادیسون بی شباهت به شهر فرنگ فعلی نیست ، به این معنی که محل خاصی داشت که چشم را به آن می گذاشتند و کنار آن جعبه چهار گوش بلندی وجود داشت که در آن سکه ای می انداختند و یک فیلم کوتاه دو یا سه دقیقه ای را تماشا می کردند تعدادی از این دستگاه در این دالان بود و فیلم هایی را که نشان می داد اغلب از روسیه می آوردند ، یعنی به بازار روسیه یعنی شهر های «آورسا» یا «روستند» می رفتند و فیلم ها را در آنجا می خریدند .

= سالن های بعدی سینما را چه کسانی ساختند و چرا از فیلم هایی که نشان می دادند اثری باقی نمانده است؟

فرخ غفاری - در سال ۱۲۸۶ شمسی «مهدی روسی خان» عکاس ، که پدرش انگلیسی بود ، و مادرش یک تئاتر روس ، به خرید یک دستگاه پرورکتور فیلم دست زد و نمایش فیلم های کوتاه در حدود ۸ یا ۹ دقیقه ای را شروع کرد . نمایش فیلم او اول در حر مسرای «محمد علی شاه» و یک سال بعد در یک سالن سینما بود . این سالن را که ۲۰۰ نفر تماشاگر در آن جا می گرفت خود او ، در خیابان علاءالدوله (فردوسی فعلی) راه انداخت . بعد از آن نمایش فیلم او در بالاخانه ای بود ، در بالای مطبوعه فاروس در خیابان لاله زار . او این بالاخانه را اجاره کرد و از آن سالن نمایش فیلم مرتبی ساخت به طوری که کسانی که در آنجا به تماشای فیلم رفته اند ، هنوز آنرا در خاطر دارند و می گویند در آنجا فیلم های کمندی فرانسوی «هاکس ندر» یا «پرنس ریگاردین» و از این قبیل را نشان می دادند .
شیخ فضل الله نوری در همان دوره ها بدین سالن سینمایی که در دیوانه خروین باز شده بود می زد ، ولی همیشه علمای دین با شیوع سینما

موافق نبودند، و گاهی اوقات اشکالانی نیز به وجود می‌آوردند. «روسی خان» مرد مستبدهی بود، و با دربار محمد علی شاه رابطه داشت و روس‌ها هم از او به دلیل اینکه مانعش روس بود پشتیبانی می‌کردند. به همین دلیل اشکالات و فتواهای ضد سینما را در نظر نگرفت و به کار خود ادامه داد. در این زمان اتفاقات عجیب و غریب می‌افتد، یعنی بعد از اینکه کار مبارزه مستبدان با مشروطه خواهان مجاهد بالا گرفت، سالن سینمای روسی خان را یک شب مجاهدان با هفت تیر و قطار فشنگی می‌گرفتند و بدنمایشی فیلم می‌نستند، یک شب هم قراق‌های روس می‌آمدند، و فیلم می‌دیدند. در این دوره منازعه روسی خان خاتم می‌شود و تمام آپارات‌ها و دستگاه‌های سینماتوگراف، فیلم‌هایی که برداشته بود و فیلم‌هایی که خریدار شده بود تاراج می‌شود و از بین می‌رود. به این دلیل آمدی به اینکه فیلم‌ها امروز به ما برسد، وجود ندارد، مگر اینکه از این فیلم‌ها قسمتهایی معجزه وار پیدا بشود.

بعد «روسی خان» یا فرار «محمد علی شاه» به خارج می‌رود و او تا ماه مارس ۱۹۶۸ یعنی تا آخر اسفندماه سال ۱۳۴۶ شمسی در «سن کلو» پاریس زندگی می‌کرد و در همین جا مرد. نخستین و تنها کسی که با او مصاحبه کرد و عکس گرفت خود من بودم و دو بار به فاصله یکسال با او مصاحبه کردم که تمام آنچه گفته شد بر اساس گفته‌های او است و ما قبلاً این اطلاعات را نداشتیم. بعدها نیز هر چه درباره آغاز سینمای ایران در مجلات و کتاب‌ها نوشته شد بر اساس این دو مصاحبه بود.

فرخ غفاری - نخستین کسی که بهره‌برداری از سینما را رایج کرد، به طوری که مردم آمدند و از آن روز به بعد همیشه در ایران سالن سینما وجود داشته شخصی بود به نام «آرنشیر خان ارمنی» (باتماگریان). اقدامات «صحاف باشی»، «روسی خسان» و همینطور شخصی به نام «آقایوف» و کارهای مختلف در دروازه قرین و غیره کارهای «موقعی» بود، یعنی زمانی می‌درخشید و بعد از بین می‌رفت. اما اولین کسی که به این کار نظم و ترتیب داد و از آن پس برای همیشه لاقول یک سالن سینما در تهران به طور مرتب دایر بود. همین آرنشیر خان ارمنی (باتماگریان)

= بعد از غارتی که از وسائل سینمایی روسی خان شد، سینما چگونه دوباره ایجاد شد و به میان مردم رفت؟

بود که سالنی درخیاپان فردوسی (علاءالدوله) باز کرد و بعد هم سالن‌های دیگری در تهران به وجود آمد.

فرخ غفاری - فقط به اشاره باید گفت که در ایران، در آن سنوات يك فيلم توسط خارجی‌ها برداشته شد. و به دلیل اینکه این فیلم هنوز در شمار یکی از آثار معتبر و کلاسیک هنر هفتم به حساب می‌آید، آنرا ذکر می‌کنم. این فیلمی است به نام «علفزار» که در سال ۱۹۲۴ یعنی ۱۳۰۳ شمسی، برداشته شد و کوچ پنجاه هزار نفر بختیاری را از شمال خوزستان فعلی به نواحی بختیاری، نزدیک به شمال غربی اصفهان نشان می‌دهد. در این فیلم این پنجاه هزار نفر از آب‌های آشفته کارون رد می‌شوند، در کنار زردکوه پخ می‌شکنند، برای اینکه بتوانند از کوه رد شوند و بالاخره تمام گوسفندها و گاوها و تمام احشام خود را به علفزارهای آنجا می‌رسانند. این فیلم را دو نفر آمریکایی به نام‌های «کوپر» و «شودزاک» برداشتند که هنوز سند بسیار زنده‌ای است و در فیلمخانه‌ها و سینه کلوب‌های دنیا نشان داده می‌شود.

= آیا در این دوره، در ایران فیلم یا فیلم‌هایی هم ساخته شد؟

فرخ غفاری - نخستین آزمایش فیلمبرداری در ایران، به وسیله ایرانی‌ها در سال ۱۹۳۱، یعنی ۱۳۱۰ شمسی انجام شد. اولین فیلمبرداری را يك ایرانی به نام «خان بابا معنضدی» بین سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۰ انجام داد. او فیلم‌های خبری صامت برداشت که معروفترین آنها به گفته خود او فیلمی است به نام «مجلس مؤسسان» که در سال ۱۳۰۴ درباره مجلس مؤسسانی ساخته شد که رضا خان سردار سپهر را اولین پادشاه دودمان پهلوی کرد. و همینطور فیلمی که چند ماه بعد در سال ۱۳۰۵ درباره تاجگذاری رضا شاه برداشت. این دو فیلم را که به گفته خود او بسیار معروف بود بعدها خارجی‌ها خریداری کردند. در سال ۱۳۱۰ شخصی به نام «اوهانیان»، يك ارمنی که از شوروی برگشته بود، يك مدرسه سینما در تهران تأسیس کرد و در سال ۱۳۱۱، فیلم کمندی «آبی و رابی» را برداشت. این فیلم که مورد توجه بسیار زیاد مردم واقع شد مستقیماً از کارهای زوج کمیک دانمارکی به نام «پات و پاتاشون» الهام گرفته بود.

= نخستین فیلمبرداری توسط ایرانی‌ها کی و چگونه انجام شد؟

ایرانیها این زوج را در سینماها زیاد دیده بودند و آنها را دوست داشتند . فیلمبردار «آبی و رابی» همان «خان بابا معتضدی» بود . «اوهانیان» در زمستان سال ۱۳۱۳ فیلم دیگری برداشته بود به عنوان «حاج آقا آکتور سینما» .

جز او شخصی به نام «ابراهیم مرادی» در سال ۱۳۱۲ فیلم «انتقام برادر» و در همین سال فیلم دیگری به نام «بوالهوس» ساخت «ابراهیم مرادی» قبلاً دو سال در مسکو ، در یکی از استودیوهای فیلمبرداری کار کرده بود و به مدرسه سینمایی «اوهانیان» هم رفته بود و فیلم «بوالهوس» را با همکاری شاگردان مدرسه «اوهانیان» ساخت . این فیلم در بهار سال ۱۳۱۳ نمایش داده شد و مورد تشویق رسمی قرار گرفت ولی چون این فیلم صامت بود مردم از فیلم ناطقی که «سپنتا» به نام «دختر لر» ساخته بود و تازه به تهران رسیده بود استقبال بیشتری کردند .

«دختر لر» چگونه ساخته شد؟

فرخ غفاری - شخصی بود فهمیده و دانشمند به نام «عبدالحسین سپنتا» که در بمبئی متیم بود و در آنجا به فکر افتاد که در یکی از کمپانی های بمبئی فیلمی بسازد . او تهیه فیلم «دختر لر» را ۱۳۱۱ شروع کرد و تمام صحنه های این فیلم را که در ایران اتفاق می افتد ، در بمبئی از نو ساخت و هیچ صحنه ای در ایران فیلمبرداری نشده است . استقبال مردم از فیلم «دختر لر» به حدی بود که «سپنتا» به اندازه آن پی در پی فیلم های «چشمان سیاه» را در سال ۱۳۱۳ ساخت و این داستانی بود درباره دو نفر ایرانی در هندوستان ، در زمان فتح نادر ؛ و بعد «شیرین و فرهاد» را در همان سال ساخت و بعد «لیلی و مجنون» را در سال ۱۳۱۶ ساخت و میان این دو فیلم آخر ، در سال ۱۳۱۳ فیلم دیگری ساخت با نام «فردوسی» که داستانی بود نوام با شرح حال فردوسی طوسی ، که این فیلم در هزاره فردوسی نمایش داده شد .

= امروز از فیلم هایی که «سپنتا» ساخت ، نسخه هایی وجود دارد؟

فرخ غفاری - از این فیلم ها ، جز يك کپی خیلی بریده و ناقص از فیلم «دختر لر» و چند دقیقه از فیلم «لیلی و مجنون» ، از بقیه فیلم ها هیچ باقی نمانده است .



صحنه‌ای از فیلم دختر تر ساخته عبدالحسین سینتا

فرخ غفاری - مرحوم سینتا بهمن گفت: کمپانی‌های امریکایی ترسیدند که فیلم‌هایی که نرهند تهیه می‌شود و ممکن است بعد در ایران هم تهیه شود، رقابت شدیدی برای بازار فیلم آمریکایی باشد، بنابراین آنها مانع شدند و از پیشرفت این نوع کارها جلوگیری کردند. بنابراین در واقع از سال ۱۳۱۴ تا سال ۱۳۲۶ هیچ فیلم دیگری نداشتند در ایران نداریم مگر فیلم‌های خبری که یا توسط ایرانی‌ها تهیه می‌شد و یا خارجی‌ها مثل سفر رضا شاه کبیر به ترکیه یا فیلم‌های خبری که در زمان جنگ خارجی‌ها برداشتند.

= با استقبال بسیار زیادی که مردم از فیلم‌های «سینتا» می‌کردند. ساخت این گونه فیلم‌ها ادامه پیدا نکرد؟

فرخ غفاری - بله «و از این هم ما فقط يك كپی «دختر لر» را داریم و در واقع از ۴۷ سال فیلم‌سازی در ایران جز همین کپی «دختر لر»، و چند فیلم خبری یا مستند چیزی باقی نمانده است.

= بنابراین تا سال ۱۳۲۶ تنها اطلاع از فیلم‌های ایرانی همین چند فیلمی بود که ذکر شد؟

فرخ غفاری - سال ۱۳۲۶ آغاز صنعت فیلم ناطق در خود ایران است که تا امروز ادامه دارند. در این مدت، بعضی سالها تعداد فیلم‌هایی که تهیه شد حتی تا صد فیلم رسید و بعضی سالها نیز این تعداد بسیار کم بوده اما به هر حال صنعت فیلم ادامه دارد و دو سال دیگر ما می‌توانیم جشن سی‌امین سال صنعت فیلم ایران را به معنی فیلم ساخته شده در ایران بگیریم. اولین فیلم ناطق که امیدوارم که لااقل يك كپی از آن درجانی حفظ شده باشد فیلم «طوهران زندگی» بود که شرکت میترا فیلم آن زمان (که بعد تبدیل به پارس فیلم شد و هنوز هم این شرکت به تهیه فیلم مشغول است) به مدیریت اسماعیل کوشان، آنرا تهیه کرد. کارگردان این فیلم «محمد علی دریاییگی» بود. از فیلم‌هایی که از آن زمان تا این اواخر سر و صدایی کرده چند اسم می‌بریم: فیلم «ولگرد» یا کارگردانی «محسن رئیس فیروز» و شرکت ملک مطیعی که در سال ۱۳۳۲ ساخته شد. من شخصاً این فیلم‌ها ندیده‌ام اما آنها که دیده‌اند این فیلم‌ها میان فیلم‌های آن زمان قابل ذکر می‌دانند. و گویا فیلمی بود که جنبه رئالیستی داشت.

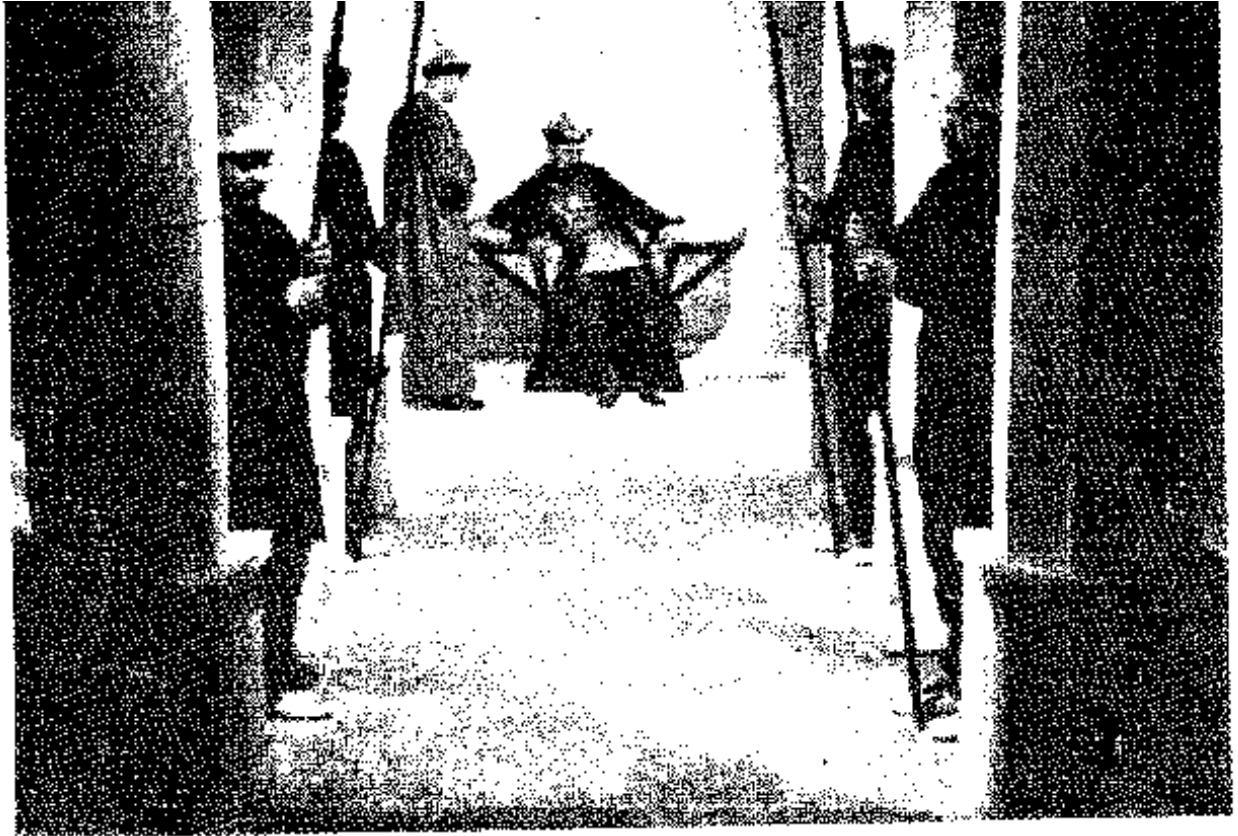
= فیلم ناطق از چه سالی در ایران تهیه شد و چگونه تهیه شد؟

سال بعد یعنی ۱۳۳۳ «شاپور یاسمی» فیلم «امیر ارسلان» را برای شرکت پارس فیلم ساخت. سال ۱۳۳۶ «هوشنگ کاووسی» نخستین تحصیل کرده ایرانی و فارغ التحصیل از یک مدرسه عالی سینمایی فیلم «۱۷ روز به اعدام» را ساخت. در همان سال «مجید محسنی» نخستین فیلم را درباره کلاه مخملی‌ها با عنوان «لات جوانمرد» ساخت. «ساموئل خاچیکیان» فیلم «فریاد نیمه شب» را ساخت. سال بعد من فیلم «جنوب شهر» را ساختم که باز درباره کلاه مخملی‌هاست، و کافه و جاقو کشی آن زمان را نشان می‌داد. این فیلم تنها چند روز به نمایش درآمد.

بعد یک سلسله فیلم‌های متفاوت آمد که در میان آنها می‌توان نام فیلم «فرینون ره‌نما» یعنی «سیاوش در تخت جمشید» را ذکر کرد. این فیلم در سال ۱۳۴۲ ساخته شد. «ابراهیم گلستان» در سال ۱۳۴۴ فیلم «خشت و آئینه» را ساخت و فیلم فوق‌العاده «فروغ فرخزاد» که در سال ۱۳۴۲ با نام «خانه سیاه است» تهیه شد. و بالاخره «شب قوزی» که من در سال ۱۳۴۲ ساختم. فیلم‌هایی که نام بردم در فیلمخانه‌ها یا فستیوال‌های کشورهای خارج نمایش داده شدند و این قبل از زمانی بود که فیلم‌های ما بیشتر به فستیوال‌های جهانی راه پیدا کنند.

تولید سینمای ایران تا صد و چند فیلم در سال افزایش یافت. تعداد تماشاگر زیاد شد و به ترتیب کاتون فیلم به وجود آمد، بعد فیلم‌خانه ملی درست شد. مجلات سینمایی انتشار یافت و کتابهای سینمایی ترجمه یا تألیف شد. فستیوال بین‌المللی فیلم تهران در سال ۱۳۵۱ آغاز به کار کرد. جشن هنر شیراز (در ۱۳۴۶) و فستیوال بین‌المللی فیلم کودکان در سال ۱۳۴۵ به وجود آمد. فستیوال ملی سپاس به فیلم‌های داخلی اختصاص داده شد. مدارس اختصاصاً سینمایی مثل مدرسه عالی تلویزیون و سینما به وجود آمد، دو بخش سینمایی در دانشکده هنرهای دراماتیک و دانشکده هنرهای زیبا در دانشگاه تهران تأسیس شد.

با این کوشش و زحمات پیش‌قدمان و توسعه کار سینما در ایران خوشبختانه در سال ۱۳۴۸ تعدادی فیلم ساخته شد که در ایران و خارج از ایران سروصدای کرد مثل «قیصر» ساخته مسعود کیمیائی، در همان سال داریوش مهرجویی فیلم «گاو» را ساخت و بعد از آن فیلم‌های «آقای



بالا : سیاوش در تخت جهنمید ساخته فریدون رهنما
پائین : پستیچی ساخته داریوش مهرجویی





بالا : چشمه ساخته
آریی اواسمیان
مقابل : درشکلهچی
ساخته نصرت کریمی

هالو» و «پستچی» را ساخت. «بهرام بیضائی» که سابقه او را در درام نویسی می دانیم بافیلم «رگبار» در سال ۱۳۵۰ توفیقی به دست آورد. ناصر تقوایی در سال ۱۳۴۸ فیلم «آرامش در حضور دیگران» را ساخت. «جلال مقدم» فیلم «فرار از تله» را در سال ۱۳۵۰ تهیه کرد. پرویز کیمیائوی در سال ۱۳۵۱ فیلم «مغولها» را ساخت. ذکریا هاشمی «سه قاب» را در سال ۱۳۵۰ کارگردانی کرد. «امیر نادری» فیلم «تنگنا» را در سال ۱۳۵۲ تهیه کرد. و آری اوانسیان فیلم «چشمه» را در سال ۱۳۵۱ ساخت. بعد کسانی مثل نصرت کریمی که فیلم «درشکه چی» او در سال ۱۳۵۰ توفیق عامه یافت. کمدی موزیکال «حسن کچل» را «علی حاتمی» در سال ۱۳۴۹ ساخت. هژیر داریوش فیلم «بی تا» را در سال ۱۳۵۱ ساخت. منوچهر انور «شهر قصه» را بعد از فیلم مستند خوب «نیشمارو» در سال ۱۳۴۶ کارگردانی کرد. کامران شیردل که «صبح روز چهارم» را ساخته بود در فیلم های کوتاه موفقیت بسیار به دست آورد. «سهراب شهید ثالث» بافیلم های «يك اتفاق ساده» و «طبیعت بی جان» موفقیت به دست آورد. «بهمن فرمان آرا» بافیلم «شازده احتجاب» يك جايزه بزرگ به دست آورد. فیلم های کوتاه هم در وزارت فرهنگ و هنر و هم در تلویزیون ملی و هم در کانون پرورش فکری به وجود آمد و عده ای در ساختن فیلم های کوتاه توفیقهایی به دست آوردند مثل هژیر داریوش، خسرو سینائی، پرویز کیمیائوی، بهرام بیضائی، کیا رستمی، زرین کلک.

در حال حاضر چند کمپانی در ایران فیلم می سازند ؟

فرخ غفاری - در حال حاضر ۱۵ شرکت تهیه فیلم در ایران هست ، که اینها خارج از دستگاہهای دولتی است که فیلم های داستانی هم می سازند مثل وزارت فرهنگ و هنر ، تلویزیون ملی ایران و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان . اما در این ۱۵ شرکت فیلم سازی ، تنها ۵ شرکت معتبر می توان پیدا کرد .